

خبرنگار

د/۵۰۵۰۰/۸۹۲/۱۰۰

شماره هجدهم / بهمن ماه ۱۳۹۸

بسیج دانشجویی پردیس حکیم فردوسی

شهید سلیمانی
حاج قاسم

انتقام سخت

عکس نوشته

معرفی کتاب

من بلد نیستم

حمله به شورای نگهبان؛ ترفند سیاسی

جریان‌های سیاسی یا اصلاح مکانیسم انتخابات؟!

سخن مدیر مسئول

نام خدا بخشاینده ی مهربان؛ قسم به زمان؛ بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده اند. (ترجمه آیات سوره عصر)

دی ماه ۹۸ طعم خون می داد، تاریخ روی دور سرعت افتاده بود و حماسه پشت حماسه و فاجعه پشت فاجعه نگاه تمام جهانیان را به این آب و خاک متمرکز کرده بود. قلم ها از هیبت و شگفتی دی ماه به کاغذ دوخته شده بود. مرز بین تفسیر واقعه تا رخداد بعدی به روز هم نمی کشید. شهادت سردار دلها، مظلومیت مقاومت، مرگ جان گداز مسافران هواپیما، حماسه عین الاسد و ده ها اتفاق کوچک و بزرگ دیگر همگی در کمتر از ۱۰ روز رخ داد. بعد از همه ی این ها، با ورود به مرحله ی انتخابات خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی، کشور باز هم از التهاب دور نماند و باید دید این چند صدایی همیشگی اصلاح طلبی و اصولگرایی یا لیست های مستقل و عدالتخواه و جوانان و حتی رای دهی های اتوبوسی و قومی و دیگر کنشگران عرصه انتخابات، در کنار برنامه ریزی های دشمنان چه برای ایران رقم می زنند.

اما دانشجوی خط مقدم این عرصه و قشر اثر گذار و فرهیخته جامعه است. در بطن جامعه، پویا، فعال، کنشگر و امیدوار است و این پارامترهای مذکور در جنبش های دانشجویی، ماحصل مسیر خوشایندی را ترسیم می کنند. همراهی و مشارکت دانشجویان در سلسله رخدادها و تصمیم گیری های کشور، همان حلقه ی مفقوده ای است که سال ها به واسطه ی دلایلی قابل بحث در حوزه ی اجرائیات کشوری کنار گذاشته شده است و این نقیصه جز با پافشاری و استحکام و جنگیدن رفع نمی شود. دانشجوی باید بداند؛ باید بفهمد و باید حرکت کند. و این چیزی جز وظیفه نیست.

اکنون خرسندیم که به واسطه ی چنین مخاطبان فرهیخته و ارزشمندی تلنگر شماره هجدهم را خدمتتان تقدیم کرده ایم. با وجود تمام محدودیت ها و موانع در این یک سال و نیم به عنوان فعال ترین نشریه دانشجویی استان البرز سعی کردیم پیرامون مسائل اجتماعی، فرهنگی و علی الخصوص مسائل سیاسی روز مباحثی را طرح کنیم که فهم آن جدای از رسالت دانشجویی و اجتماعی دانشجویان کشور نباشد. از خدای منان آرزوی توفیق برای همه ی شما عزیزان و سربلندی کشور عزیزمان را داریم.

مدیرمسئول نشریه تلنگر: محمدامین شیخی

شناسنامه تلنگر

واژه ها:

سیاسی فرهنگی اجتماعی

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی

مدیرمسئول و سردبیر:

محمدامین شیخی

مدیراجرایی: فرهاد پادیر

طراح: محمدحسین کربلایی

ویراستار: امیرحسین فکر جوان

روابط عمومی:

امیر کریمی، رقیه مدیرروستا

هیئت تحریریه:

فرهاد پادیر

مصطفی رحیم زاده

محمدامین شیخی

مهدی مرادبیک لو

هزینه نشریه: صلوات

نکته: هزینه چاپ نشریه از بیت المال

است، لطفا پس از مطالعه و در صورت عدم نیاز در اختیار دیگران نیز قرار دهید

دعوت به همکاری:

از مخاطبان عزیز نشریه تلنگر دعوت

می شود تا نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق پیامرسان تلگرام به آی دی:

@Talangor_phf

ارسال نمایند.

پایگاه اطلاع رسانی

@Basij_phf

است و علت تحریم ها هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است خطایی نابخشودنی است.» با این حال مسلم است که با نوع نگاه برخی از مسئولین نمی توان در این مسیر گام حقیقی برداشت. ۴. استفاده از ابزار های دیپلماسی برای توسعه اقتصادی، واقعیتی انکارناپذیر است اما حال که دولت اداره کشور را در گروی نگاه به خارج دانسته است، باید به این پرسش پاسخ داده شود که دولت تاکنون تا چه اندازه از ظرفیت های منطقه، بازار های منطقه ای و... استفاده کرده است؟ در مقابل تا چه اندازه تعامل با جامعه جهانی را محدود در چند قدرت اروپایی و آمریکا کرده است که تعامل با آنها، نتیجه ای جز بدعهدی های آمریکا و تروئیکای اروپایی، سکوت اروپا در قبال نقض عهد های آمریکا، زیاده خواهی و تهدیدهایی مثل استفاده از مکانیسم ماشه و... نداشته است که خود گویای آن است که دولتمردان حتی زبان دنیا را هم بلد نیستند و یا شاید فراموشش کرده اند! ۵. اینکه دولت جریان نقدینگی را به چهار برابر رسانده، در اندازه نرخ تورم رکوردشکنی کرده، قیمت مسکن و خودرو را به چند برابر رسانده، در موضوع هدفمندی سوخت اینگونه هزینه آفرینی کرده، وزیر مسکنش به نساختن حتی یک مسکن افتخار می کند، وزیر نفتش با برداشتن و بازگرداندن کارت سوخت و... ضررهای میلیاردی به کشور می زند، نتیجه خصوصی سازی اش چوب حراج زدن به ماشین سازی تبریز، هپکو اراک، آلومینیوم المهدی و... می شود؛ اینها نمونه های بهتری از نابلدی ها و مشکل آفرینی های آقای رئیس می باشد که از قضا حل آن هیچ ربطی هم به روابط خارجی ندارد و فقط و فقط به نحوه تدبیر و مدیریت داخلی معطوف است. نگاهی که برای حل مشکلات کشور را معطل نگاه به خارج کند، نه مشکلی را حل می کند که اتفاقا مشکل آفرینی می کند و خود نیز بخشی از مشکل خواهد بود.



من بلد نیستم

نگاهی مختصر به اقرار صریح رئیس جمهور به آن چه بلد نیست

برای دولت فراهم می شود که دولت نسخه نجات وضعیت موجود را در دست داشت اما باز هم نگذاشتند! ۲. روحانی نمی تواند مشکلات کشور را بدون نگاه به خارج حل کند، پس اگر نگاه به خارج و تعامل با جهان در این دولت تجربه شده باشد، قاعدتا دولت می تواند کشور را اداره کند و آنگاه بهانه ای برای فرافکنی وجود نخواهد داشت. واقعیت این است که در طول عمر انقلاب اسلامی، دست هیچ دولتی برای مذاکره با غرب و آمریکا و تعامل و توافق باز نبوده است. پس حالا که دولت اجازه نگاه دوختن به خارج را داشته، با همین نگاه می تواند کشور را اداره کند و در این زمینه نمی تواند بهانه ای داشته باشد و حال باید از دولت پرسید که با وجود تجربه نگاه به خارج، پس چرا در حل مشکلات کشور ناتوان مانده اید؟ ۳. در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که سند راهبردی برای حرکت به سمت گام دوم انقلاب است، به صراحت اشاره شده است که «... همه راه حل ها داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که ریشه مشکلات اقتصادی صرفا در تحریم

شاید اگر آقای رئیس اینگونه به «نابلدی اش در حل مشکلات بدون کار داشتن با دنیا و فقط نگاه به داخل» اعتراف نمی کرد، هیچ کس نمی توانست به این صراحت این مسئله را اثبات کند. در این رابطه بررسی چند مسئله می تواند مفید باشد: ۱. آیا این سخن روحانی، یک اعتراف توأم با ابراز پشیمانی و ندامت بوده یا اینکه یک گروکشی محسوب می شود؟ عملکرد و سوابق این دولت، کمتر گواهی به پذیرش خطا، مسئولیت پذیری و عدم فرافکنی در مواجهه با ناکارآمدی ها می دهد، پس این سخن را باید یک نوع گروکشی دانست. گروگان گرفتن اداره کشور و بهبود وضعیت معیشت و اقتصاد در ازای اجازه برای مذاکره و یا توافق جدید! اینکه اگر خواهان گشایش در امور در این مدت باقی مانده هستید، دست آقای رئیس را برای یک معامله جدید باز بگذارید چرا که او حل مشکلات را بدون نگاه به خارج بلد نیست! و نیز بهانه رفع مسئولیت و فرافکنی نیز



انتقام سخت؟!!

نکته‌ای مهم که مورد اذعان بسیاری از کشورها قرار گرفت و آن را نتیجه‌ی اقتدار موشکی ایران دانسته‌اند. چرا که از جنگ جهانی دوم تا به حال هیچ کشوری **اراده‌ای** برای حمله به آمریکا را در خود ندیده بود. برخی افراد این حملات را پایان انتقام سخت خوانده‌اند؛ ادعایی که با فرمایشات رهبری در تضاد است چرا که رهبر انقلاب حمله‌ی موشکی به عین‌الاسد را تنها یک سیلی دانستند. ایران در جایگاه فرماندهی مقاومت با حملات موشکی خود آغازگر فرایند خروج آمریکا از منطقه بود و ادامه این روند را محورهای مقاومتی همچون حزب‌الله و حشدالشعبی با صلابت و استوار به پیش خواهند برد. انتقام سخت نه با حملات مقطعی به پایگاه‌های آمریکایی بلکه با خروج کامل از منطقه غرب آسیا محقق خواهد شد و این حملات نقطه آغازی بر یک پایان بود

سانسور شدید خبری امکان دسترسی به آمار تلفات انسانی را میسر نساخت. ممنوعیت ورود خبرنگاران از سوی مقامات آمریکایی مانع از پخش شدن هر گونه خبر احتمالی شد. قطعاً در آینده‌ی نه چندان دور ابعاد بیشتری از تلفات انسانی آشکار خواهد شد؛ همانگونه که در ابتدا از آسیب ندیدن نیروی‌های آمریکایی سخن به میان می‌آوردند، ولی به مرور زمان و با کاهش تنش‌ها مقامات پنتاگون خبر از ضربه مغزی شدن تعدادی از نیروهای خود دادند. ۱۱، ۳۰ و حالا ۵۰ اعدادی هستند که مقامات پنتاگون با فاصله‌ی زمانی به طور رسمی اعلام نمودند. **ذکر یک نکته ضروری است که اهمیت حمله موشکی به خسارات مادی و جانی خلاصه نمی‌شود بلکه پایان بخشیدن به چند دهه سلطه نظامی آمریکا و همچنین فروپاشی هیمنه و قدرت پوشالی آمریکا روی غالب و قابل توجه این حملات است.**

شاید هیچ واژه‌ای به مانند انتقام سخت مردم ایران را در طول سالیان اخیر هم صدا نکرده باشد؛ واژه‌ای که مردم ایران آن را چه در تشییع سردار مجاهد و چه در فضای مجازی، به جهان و جهانیان مخابره کردند. در بامداد هجدهم دی ماه حملات موشکی سپاه پاسداران به پایگاه عین‌الاسد فصل جدیدی را در منطقه غرب آسیا ورق زد. موشک‌های نقطه زن فاتح و قیام که همه‌ی آنها بدون حتی یک رهگیری، پایگاه عین‌الاسد را به ویرانه‌ای تبدیل کردند. همان پایگاه مملو از جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های پیشرفته آمریکایی که بخاطر امنیت بالای پایگاه عین‌الاسد، ترامپ در بازدید شبانه خود از عراق آن را انتخاب کرده بود ولی اکنون باید از آهن پاره شدن پهپادهای و جنگنده‌های گران قیمت آن سخن گفت. با این وجود

خود را مطرح می‌کنند و دیده می‌شوند ۲. حال برای اینکه مشخص شود نبود نظارت استصوابی، منفعتی برای مردم، در مکانیسم انتخابات دارد یا نه، ابتدا باید به این سوال پاسخ داد که اگر بناست به واسطه‌ی حذف متغیر شورای نگهبان از مکانیسم انتخابات در نتیجه بهبودی برای مردم حاصل شود، چرا در شورای شهر و فساد های افسارگسیخته ی این شورا تاکنون هیچ نتیجه مثبتی رخ نداده است؟ چرا فی المثل در شورای شهر تمام اصلاح طلب تهران جز تعویض نام بزرگراه و خیابان عملکرد مثبتی نداشته اند؟ یا چرا فساد در شورای شهر گسترده تر است؟ از همه ی این ها که بگذریم، اگر طیف اصلاحات معتقد است نتوانسته نیروهای کارآمد خود را روانه مجلس کند، مشخص کند از آقای عارف و مطهری و صادقی چه فرد توانمندتری داشته است؟ به واقع پاسخ به این پرسش ها خبر از یک بازی سیاسی می‌دهد ۳. این روز ها تنش های حول محور شورای نگهبان به اوج خود رسیده است. آقای روحانی، رئیس جمهور ایران به عنوان یک چهره اجرایی که خود از فیلتر همین مکانیسم عبور کرده، در خط مقدم تضعیف شورای نگهبان قرار گرفته است. با توجه به نخ نما شدن ادعای همیشگی اصلاح طلبان، این جناح سیاسی نیاز دارد که از طریق یک مرجع رسمی ادعایش مورد تایید قرار بگیرد. اینجاست که آقای روحانی پازل حمایت و هدایت اصلاح طلبان را تکمیل می‌کند و به مردم نیز القا می‌کند که با فشار سیاسی اصلاح طلبان از صحنه قدرت کنار گذاشته می شوند. البته که این خوش خدمتی آقای روحانی به اصلاح طلبان در پاسخ به حمایت همه جانبه اصلاحاتی های مجلس از او بوده است، اما این فضای تنش زا برای دولت هم بدون فایده نخواهد بود و کنار صدای طبل رد صلاحیت ها دیگر صدای حقیقی ای شنیده نمی‌شود، دیگر از عملکرد اصلاح طلبان و روحانی پرسشی نمی شود و هنرمندانه با اسم رمز انتخابات تشریفاتی کاهش مشارکت مردمی به اسم رد صلاحیت ها زده شود، نه عملکرد ضعیف دولت و مجلس و ناامیدی مردم از انتخابات گذشته.



حمله به شورای نگهبان

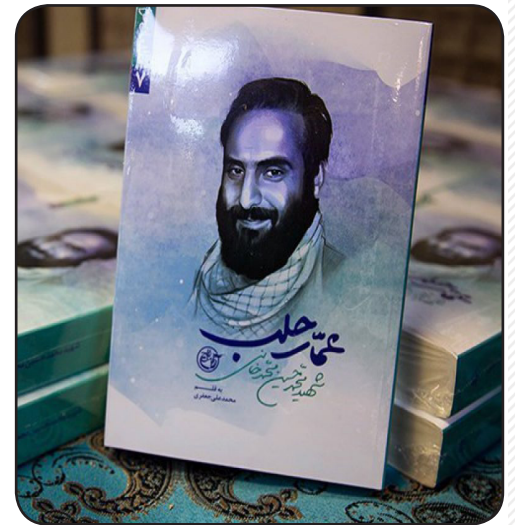
ترفند سیاسی جریانات سیاسی یا اصلاح مکانیسم انتخابات؟!

آیا نظارت شورای نگهبان توهین به آرای مردم است یا حذف عناصر مسئله دار؟ و سوالات از این دست که در ادامه به آن ها خواهیم پرداخت.

۱. باید گفت در میان منتقدان شورای نگهبان بیشترین فشار از طیف اصلاحات وارد می‌شود. اصلاح طلبان که خود بارها در انتخابات جمهوری اسلامی شرکت کرده اند و به واسطه‌ی همین مکانیسم سال های طولانی در راس دولت و مجلس قرار داشته اند ولی باز هم به ساختار قانونی شورای نگهبان حمله می‌کنند. این راهبرد سه کارکرد مثبت برای طیف موسوم به اصلاحات داشته و دارد الف) سبب مظلوم نمایی اصلاح طلبان و ترسیم یک فضای نابرابر برای آنان می‌شود ب) عملکرد ضعیف آنان در گذشته و حتی آینده توجیه می‌شود، با این بهانه که نمایندگان شاخص آنان تایید صلاحیت نشده و با لیست ضعیف خود به میدان آمده اند ج) به واسطه ی دو قطبی سازی کاذب

بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی ، شورای نگهبان مسئولیت نظارت بر انتخابات های مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و همچنین مسئولیت مراجعه به آرای عمومی را بر عهده دارد. نهادی کاملاً قانونی که مصداق آن نیز در کشور های دیگر موجود است. فی المثل اعضای شورای قانون اساسی در فرانسه، دادگاه قانون اساسی در آلمان، دادگاه ویژه در انگلستان، دیوان عالی و مجلس سنای آمریکا همگی از فیلترهای تایید صلاحیت عبور می‌کنند. اما چرا در ایران هجمه به این ساختار دیگر ماجرایی تازه ای نیست؟ چه کسانی درصدد تضعیف شورای نگهبان برمی آیند؟ به راستی آیا مواجهه با شورای نگهبان یک ترفند سیاسی است و منفعتی در خود دارد یا هدف اصلاح مکانیسم نادرست است؟

مصطفی رحیم زاده کارشناسی آموزش جغرافیا



«به جرات می‌توان اذعان داشت که در میان شهدای مدافع حرم، شهید محمد حسین محمد خانی یکی از بزرگترین، محبوب‌ترین و تاثیر گذارترین شهدای مدافع حرم می‌باشد. شهیدی که حاج قاسم سلیمانی در وصف او می‌گفتند که محمد حسین پسر من بود، و هر روز برایش صدقه کنار می‌گذاشتم. وی که یکی از جوان ترین فرماندهان جنگی در دفاع از حرم اهل بیت بود در سن ۳۰ سالگی به درجه رفیع شهادت رسید. انگار این بشر بدنیا آمده بود تا دست خیلی هارا بگیرد بنشانند سر سفره امام حسین(ع)، از هم دانشگاهی‌های لات و

عرق خورش گرفته تا مجاهد مسیحی سوری، انگار این بشر شهید شد تا باز دست از این کارهایش برندارد. هیچ وقت نگفت که ریشت را تیغ زن، اهنک گوش نکن یا شلوار پاره نپوش؛ اگر با او می‌گشتی نمازت ناخودآگاه اول وقت می‌شد.» نوشته بالا بخشی از کتاب «عمار حلب» زندگی نامه شهید محمدحسین محمدخانی به قلم محمد علی جعفری است که خاطرات این شهید بزرگ را منتشر کرده است. این کتاب دارای ۴۴۸ صفحه می‌باشد که به دلیل روان بودن متن بسیار جذاب و خواناست و تا کنون به چاپ هشتم رسیده است.

عکس نوشته

